

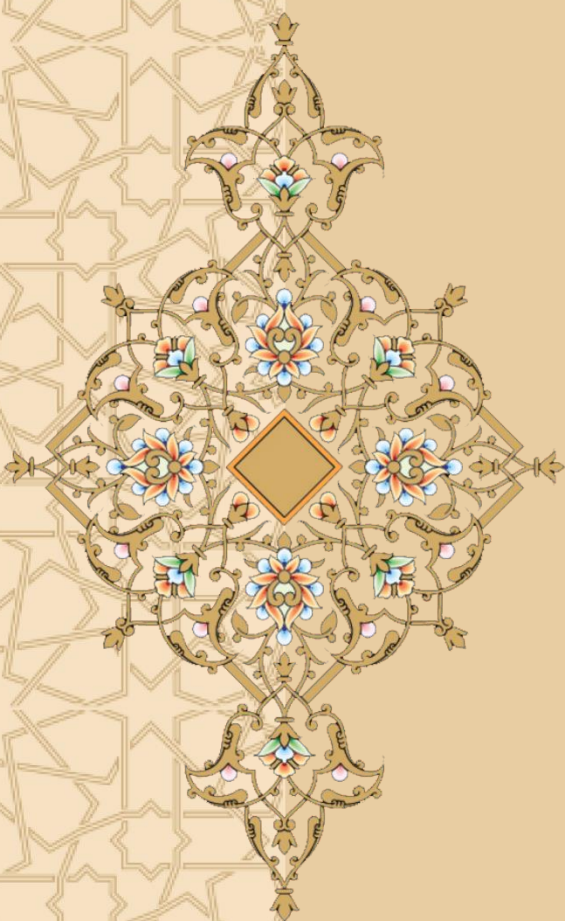
فصلنامه فَقْهَ الْقَلَمِ

دوره دوم - شماره دوم

زمستان ۱۴۰۱

بامحوریت فقه خانواده

جایگاه تدلیس در انحلال نكاح..... زهر السادات نجم آبادی
انواع طلاق در نظام حقوقی ایران..... مسینا عطر
مروری بر قواعد فقه خانواده..... مانده بیانی
حقوق خانواده؛ رشته تحصیلی کارشناسی ارشد..... سانه طاهری



رسالہ الرحمہ الرحمہ

فصلنامه ن و العلم

صاحب امتیاز: معاونت دانشجویی فرهنگی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) پردیس خواهران

حامی: انجمن علمی دانشجویی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) پردیس خواهران

مدیر مسئول: زهرا السادات نجم آبادی

سرپرست: زهرا السادات نجم آبادی

مدیر اجرایی: سیده آتنا رضوی

بمنت تحریریه: زهرا السادات نجم آبادی، معصومه شیرازی، سمانه طاهری، سینا عطر و ملده بابایی

مترجمان: فاطمه یونسی و سیده آتنا رضوی

ویراستاران ادبی: خانم شاهی و زینب السادات حسینی

ویراستاران فنی: زهره صابر و زینب السادات حسینی

طراح جلد و صفحه آرا: زینب السادات حسینی



پہلے ارتباط باہم 😊

سخن سردبیر

بسمه تعالی

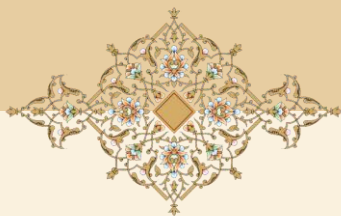
خدا را شکریم دومین شماره نشریه «ن و القلم» با محوریت فقه خانواده منتشر گردید. نشریه ن و القلم در نظر دارد مطالعات فقه پژوهی بارویکرد فقه مضاف را با دانشجویان، پژوهشگران و صاحب نظران این حوزه به اشتراک بگذارد. هر شماره از نشریه به یکی از محورهای فقه مضاف اختصاص می‌یابد و شماره حاضر در برآورده مقالات و یادداشت‌های پیرامون محور فقه خانواده است. بیان قواعد فقه حوزه خانواده و معرفی حقوق خانواده به عنوان یکی از رشته‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه، همچنین تبیین موضوعات مرتبط با مسائل فقه خانواده از جمله حضانت طفل، احکام خواستگاری، اشغال زنان و انواع طلاق در فقه و نظام حقوقی ایران از جمله عناوینی است که در شماره حاضر در اختیار مخاطبان قرار گرفته است.

نشریه ن و القلم با تلاش دانشجویان و اساتید محترم انتشار یافته است که از زحمات ایشان پاسکزاری و قدردانی می‌نمایم.

زهرالسادات نجم آبادی

فهرست

۱.....	جایگاه تدلیس در انحلال نکاح
۱۱.....	انواع طلاق در نظام حقوقی ایران
۱۷.....	مروری بر قواعد فقه خانواده
۲۴.....	حقوق خانواده؛ رشته تحصیلی کارشناسی ارشد



جایگاه تدلیس در انحلال نکاح

زهرا السادات نجم‌آبادی^۱

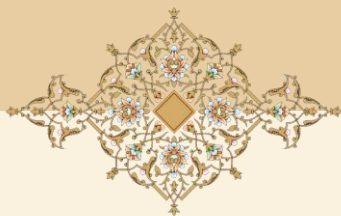
چکیده

فقها اتفاق نظر دارند عقد نکاح در صورت تدلیس صحیح است؛ اما در خصوص جواز یا عدم جواز فسخ به واسطه تدلیس اختلاف نظر وجود دارد. برخی قائل به عدم جواز به طور مطلق، برخی قائل به جواز به طور مطلق و برخی دیگر قائل به جواز مشروط هستند؛ به نحوی که اگر این امر در عقد شرط شده باشد، جواز فسخ برای طرف مقابل وجود دارد. در قانون مدنی نامی از خيار تدلیس برده نشده است؛ اما حقوق دانان معتقدند در صورت وقوع تدلیس، عقد صحیح و قابل فسخ است. پژوهش حاضر که با روش اسنادی کتابخانه‌ای نگاشته شده و از نوع توصیفی - تحلیلی است؛ به تبیین اقوال و ادله در این باره می‌پردازد.

واژگان کلیدی: عقد نکاح، انحلال عقد، فسخ، تدلیس، شرط صفت.

^۱ - دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خواهران، ایران، تهران،

پست الکترونیکی: z.najmabadi@gmail.com



۱- مقدمه و بیان مسئله

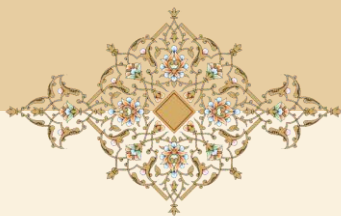
عقد نکاح در اسلام امر مهم و مقدسی است چراکه با موضوع خانواده پیوند دارد. اسلام همواره مؤمنان را به امر ازدواج ترغیب می‌کند و خواستار مودت و محبت میان زن و مرد و ایجاد آرامش بین آنهاست. با توجه به اهمیت عقد نکاح، این عقد دارای احکام خاصی است و طرفین عقد نمی‌توانند به وسیله اقاله آن را منحل کنند؛ بلکه اسلام راه‌هایی برای انحلال عقد نکاح بیان کرده است. یکی از این راهکارها فسخ عقد است که به موجب وجود عیوبی خاص، یا تدلیس و یا تخلف از شرط صفت روی می‌دهد.

تدلیس در عقد نکاح درواقع نوعی فریبکاری است یعنی فرد صفت‌هایی را به خود نسبت بدهد که آنها را ندارد. فقها در مورد اینکه حق فسخ عقد در صورت تدلیس جایز است یا خیر، با یکدیگر اختلاف نظر دارند. برخی قائل به عدم جواز و برخی قائل به جواز مطلق هستند و برخی دیگر فسخ را در صورتی جایز می‌دانند که مسئله مورد تدلیس، در عقد شرط شده باشد. همچنین در مورد اینکه چه مواردی موجب فسخ عقد می‌شود و اینکه هرگونه کتمان تدلیس هست یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد. به طور مثال برخی معتقدند اگر موضوع کتمان شده ضربه‌ای به کفویت زوجین بزند، موجب ایجاد حق فسخ می‌گردد و در مقابل عده‌ای دیگر هرگونه کتمان و فریبکاری را سبب ایجاد حق فسخ در عقد می‌دانند. در این پژوهش به سؤالاتی پاسخ داده می‌شود؛ از قبیل اینکه موجبات فسخ عقد نکاح چیست؟ اقسام و شروط تدلیس دربردارنده چه مواردی است؟ تأثیر تدلیس در عقد نکاح چگونه است؟ و آراء فقهی و حقوقی در خصوص تدلیس در عقد نکاح چگونه تبیین می‌شود؟

۲- تعاریف و مفاهیم

۲-۱- تدلیس

تدلیس در متون لغت دارای یک معنای اولی و ریشه‌ای و یک معنای ثانوی است و مصدر باب تفعیل از الدّلس و معنای اولی و ریشه‌ای آن ظلمت است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۶، ۸۶) و معنای ثانوی آن کتمان عیب السلعه از مشتری است. (جوهری، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ۹۳۰) پس تدلیس کتمان عیب است و همان‌طور که کسی که کتمان عیب می‌کند طرف مقابل را در تاریکی قرار می‌دهد، بنابراین خدعه و نیرنگ را که باعث تاریکی برطرف مقابل می‌شود،



تدلیس می‌گویند. تدلیس در اصطلاح فقها نیز به معنای کتمان عیب است که در نکاح، بیع و... به کار برده می‌شود و محقق نمی‌شود مگر زمانی که فرد به صفت کمالی وصف شود و سپس عدم آن آشکار گردد. (مشکینی، ۱۳۳؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴، ق، ج ۱۳، ۲۵۶)

۴- تحلیل محتوا

۴-۱- انحلال عقد نکاح به واسطه فسخ

عواملی که سبب انحلال عقد نکاح می‌شود؛ شامل طلاق، فسخ و فوت است. البته بذل مدت نیز یکی از مواردی است که موجب انحلال نکاح شده؛ اما ویژه نکاح منقطع است. مبحث طلاق و فوت نیز خارج از موضوع این پژوهش است؛ بنابراین بایستی به تبیین احکام مربوط به فسخ عقد پرداخت. فسخ نکاح در سه صورت محقق می‌شود:

الف: عیب

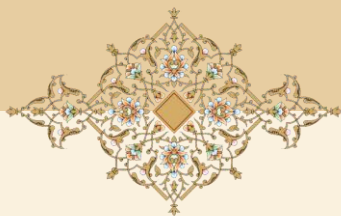
هر عیبی موجب حق فسخ در نکاح نیست، بلکه عیوبی در یکی از زوجین موجب حق فسخ نکاح برای دیگری می‌شود که با ادامه آن، زندگی خانوادگی از هم متلاشی می‌شود. این عیوب شامل یک سری عیوب مشترک میان زن و مرد و یک سری عیوب مختص به هر کدام است.

ب: تدلیس

اعمالی که موجب فریب طرف دیگر عقد شود را تدلیس می‌نامند و در معنای عرفی آن دو امر شرط است؛ اینکه مدلس عالم به عیب باشد و همچنین اظهار عدم کند، یعنی بگوید بی عیب است، یا به صورت لفظی و یا به وسیله سکوت.

تدلیس بر سه قسم است:

۱- گاهی تدلیس در عیوب موجب فسخ است که بحثی ندارد چراکه اگر تدلیس هم نباشد، فسخ هست و فقط تفاوت در گرفتن مهر از مدلس است.



۲- تدلیس در عیوبی که موجب فسخ نیست.

۳- تدلیس در صفات کمال. (امام خمینی، ۱۴۲۴ ق، ج ۲، ۲۹۶)

ج: تخلف از شرط صفت

وصفی که درباره یکی از زوجین در عقد نکاح شرط شود و سپس مشخص گردد که او فاقد آن وصف است. (امامی، ج ۴، ۴۷۶)

۲-۴- عناصر تدلیس

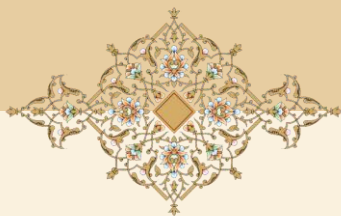
تدلیس دارای عنصر مادی و معنوی است. عنصر مادی تدلیس، عملیاتی است که انجام می‌شود و تشخیص این عملیات که موجب تدلیس می‌شود، با عرف است. شاید اخلاق کوچک‌ترین دروغ و گزافه‌گویی را قبول نکند؛ ولی درواقع حقوق در این مورد سخت‌گیری کم‌تری دارد و دروغ و هر مطلب خلاف واقعی را موجب خیار نمی‌داند؛ و عنصر معنوی تدلیس به این معنا است که اعمالی که انجام می‌شوند باید عمدی و با سوءنیت باشند، یعنی فرد قصد فریب طرف مقابل را داشته باشد. ضمانت اجرای تدلیس، حق فسخ است؛ یعنی عقد صحیح است؛ ولی برای رفع ضرری که به یک‌طرف وارد شده است، قابل فسخ خواهد بود. (گرگی و همکاران، ۱۳۹۲، ۳۱۰-۳۱۶)

۳-۴- موارد وقوع تدلیس

یکی از موارد فسخ عقد نکاح تدلیس کتمان واقعیت و خسارت زدن به دیگری است که ممکن است به سه صورت نمایان شود:

۱- عیبی خفی است که نه‌تنها نمی‌گوید بلکه ضد آن را می‌گوید، مثلاً می‌گوید از جمیع جهات صحیح و سالم است درحالی‌که عیب خفی دارد و گوینده این سخن از عیب خفی باخبر است.

۲- عیب خفی دارد و با سکوت آن را می‌پوشاند.



۳- عیبی ندارد، اما صفت کمالی را می‌گوید که ندارد، مثلاً می‌گوید زوجه طیب است ولی نیست، طیب نبودن عیب نیست ولی صفت کمالی را ابراز کرده که در زوجه نیست، که گاهی از این صورت تعبیر به اشتراط می‌شود مثلاً شرط می‌کند به قید حریت.

هر سه قسم تدلیس است و در این موارد قصد تدلیس شرط نیست، چون این موارد از اموری است که قصد در آن قهری است و قصد همراهش می‌باشد.

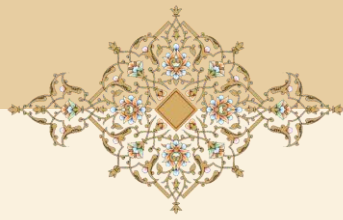
۴-۴- تأثیر تدلیس در عقد نکاح

گروهی از فقهای شافعی معتقدند در صورتی که در عقد نکاح، تدلیس صورت گیرد؛ عقد باطل است و برای اثبات ادعای خود، دلیلی از قرآن و یا سنت ندارند؛ بلکه دلیل اصلی آنها این است که اعتماد و رضایت در نکاح، به خاطر وجود صفات و اسمای خاصی بوده است. آنها همچنین نکاح را بر بیع قیاس کرده و معتقدند از آنجا که اشتباه در بیع، موجب بطلان معامله است، پس در نکاح هم موجب بطلان معامله می‌شود؛ اما جمهور فقها معتقدند که عقد نکاح در صورت وقوع تدلیس نیز، صحیح است؛ زیرا نیازی به بیان صفت و نسب در عقد نیست و اگر هم ذکر شوند و عقد مشروط به آنها باشد، باز هم عقد صحیح خواهد بود. (خالدیان، ۱۳۹۵، ۸۶) اما فقها در مورد جواز یا عدم جواز فسخ عقد به دلیل تدلیس با یکدیگر اختلاف نظر دارند که به بررسی اقوال و ادله آنها می‌پردازیم.

۴-۴-۱- آراء فقها

تدلیس در عقد نکاح به این معنا است که یکی از زوجین، نقص موجود در خود را پنهان کند یا صفت کمالی را که در او نیست، ادعا کند. (طاهری، ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ۲۴۰) به طور مثال مردی خود را منتسب به قبیله‌ای معرفی می‌کند و بعداً مشخص می‌شود که به قبیله‌ای دیگر منسوب است، در این صورت در مورد اینکه عقد فسخ خواهد شد یا خیر، اقوال گوناگونی وجود دارد که به بیان آنها می‌پردازیم:

علامه حلی در قواعد و محقق حلی بر این نظر هستند که فسخ عقد به طور مطلق جایز نیست، چه این موضوع در عقد شرط شده باشد یا شرط نشده باشد؛ و فرقی نمی‌کند قبیله‌ای واقعی



مرد پایین‌تر از این قبیله و یا بالاتر و یا هم‌تراز آن باشد. (علامه حلی، ۱۴۱۳ ق-الف، ج ۳، ۱۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ۲۴۴) و دلایل زیر را بیان کرده‌اند:

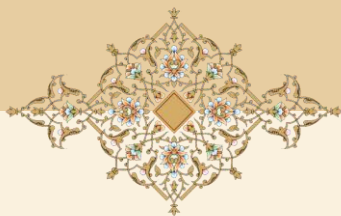
۱- اصل

۲- عمومیت «اوفوا بالعقود» در آیه ۱ سوره مائده که خداوند می‌فرماید به عهد و پیمان خود وفا کنید.

اما ابن حمزه و ابن سعید فسخ عقد را برای زن به‌طور مطلق جایز دانسته‌اند. (شیخ طوسی، ۱۴۰۰ ق، ۴۸۵؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸ ق، ۳۱۱؛ ابن سعید حلی، ۱۴۰۵ ق، ۴۶۳) و به روایت مضمهر حلبی استناد کرده‌اند: «وَقَالَ: فِي رَجُلٍ يَتَزَوَّجُ الْمَرْأَةَ فَيَقُولُ لَهَا أَنَا مِنْ بَنِي فُلَانٍ - فَلَا يَكُونُ كَذَلِكَ فَقَالَ تَفْسُخُ النِّكَاحِ أَوْ قَالَ تَرُدُّ». (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۱، ۲۳۵) این حدیث مضمهر است، بنابراین ضعف دارد؛ و از آنجاکه حلبی بزرگ‌تر از آن است که از این قبیل روایات را از غیر امام روایت کند، احتمال دارد ضمیر به حلبی رجوع کند و ممکن است راوی از او پرسیده باشد. (فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق، ج ۷، ۹۴) علامه حلی در المختلف نیز فسخ عقد را جایز دانسته است؛ اما آن را مقید به شرطی می‌کند که زن و مرد در شرف باهم برابر نباشند؛ بنابراین اگر قبیله واقعی مرد از آنچه ادعا کرده بود، پایین‌تر باشد، در این صورت زن می‌تواند عقد را فسخ کند. (علامه حلی، ۱۴۱۳ ق-ب، ج ۷، ۱۹۸) ابن ادریس نیز فسخ عقد را جایز دانسته است؛ اما در صورتی که این مسئله در عقد شرط شده باشد؛ و فرقی نمی‌کند که قبیله واقعی مرد از قبیله‌ای که ادعا کرده است پایین‌تر باشد یا بالاتر؛ زیرا قائل است که در هر صورت در عقد تدلیس و فریبکاری روی داده است. برخلاف نظر علامه در المختلف که تنها عدم کفویت را موجب فسخ عقد دانسته است. (ابن ادریس، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ۶۱۲) شیخ طوسی در المبسوط بر این نظر است که اگر این امر در عقد شرط نشده باشد، عقد صحیح است؛ اما اگر در عقد شرط شده باشد، در این حالت دو نظر وجود دارد:

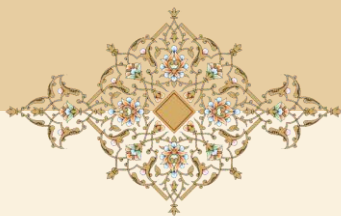
اگر زن، قبیله و نسبی که مرد ادعا کرده را پایین‌تر از نسب شرط شده بیابد و پایین‌تر از نسب خود ببیند، می‌تواند عقد را فسخ کند؛ زیرا برابری و همسانی با مرد ندارد؛ اما اگر از میزان شرط شده پایین‌تر باشد، ولی از نظر نسبی هم‌تراز زن یا بالاتر از او باشد، در این صورت نظر قوی‌تر آن است که زن نمی‌تواند عقد را فسخ کند. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ ق، ج ۴،

(۱۸۸-۱۸۹)



٤-٢-٤ - راء حقوق دانان

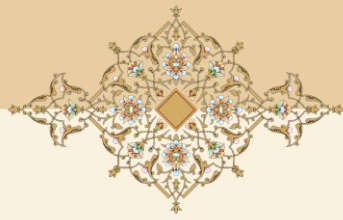
۲ هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متباین بر آن واقع شده باشد.



مهرالمسمی و مهرالمثل خواهد بود و فسخ نمودن نکاح باعث از بین رفتن حقی که سابقاً ایجاد شده نمی‌شود. اگر فسخ قبل از عمل زناشویی باشد به موجب ماده‌ی ۱۱۰۱ ق.م.زوجه مستحق مهر نخواهد بود و فقط می‌تواند مطالبه خسارت؛ اعم از مادی و معنوی را نماید. درجایی که تدلیس از جانب زوجه انجام گیرد؛ اگر فسخ نکاح پیش از عمل زناشویی صورت گیرد، زوجه به موجب ماده ۱۰۱۱ ق.م. مستحق مطالبه مهر نخواهد بود و زوج می‌تواند خسارت وارده به خود را از زوجه مطالبه نماید و بنا بر نظر برخی حقوق دانان اگر نکاح در اثر تدلیس زوجه واقع شود و بعد از نزدیکی مرد نکاح را فسخ نماید، طبق قواعد قانون مدنی با تحقق نزدیکی زن مستحق تمام مهر می‌شود؛ اما از آنجاکه پرداخت مهر برای آن بوده که شوهر زنی فاقد نقص و واجد صفات کمالی که منظور او بوده داشته باشد، شوهر می‌تواند به عنوان خسارت مهری را که به زن داده است، پس بگیرد و یا اگر نداده از پرداخت آن خودداری نماید. (سلیمانی، ۱۳۹۶، ۷۲-۷۵)

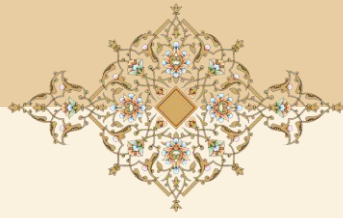
۵- نتیجه گیری

یکی از راه‌های انحلال نکاح، فسخ عقد بر اثر تدلیس است. فقها اتفاق نظر دارند که عقد نکاح به واسطه تدلیس باطل نخواهد شد و صحیح است؛ اما در مورد جواز فسخ عقد اختلاف نظر دارند. پس از بررسی نظرات فقها باید گفت هرگاه چیزی که مصداق تدلیس و فریبکاری در عقد باشد، رخ دهد، در این صورت فرد فریب خورده حق فسخ خواهد داشت؛ بنابراین در مثالی که بیان شد، اگر نسب مرد در عقد شرط شده باشد و بعداً مشخص شود که نسب مرد غیر از چیزی است که شرط شده است، در این صورت زن می‌تواند عقد را فسخ کند؛ و فرقی نمی‌کند که نسب واقعی مرد بالاتر یا پایین‌تر از نسب شرط شده باشد؛ زیرا در هر صورت مرد با نسب دروغینی که ادعا کرده است، زن را فریب داده است، در نتیجه فسخ عقد برای زن جایز است.

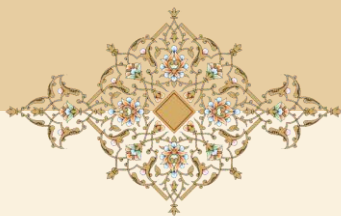


کتاب‌نامه

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دار الفکر، چ ۳.
۲. امامی، سید حسن، ۱۳۵۲، حقوق مدنی، تهران، تهران، انتشارات اسلامی.
۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۰ ق، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دار العلم للملایین.
۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۵. حلّی، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، ۱۴۱۰ ق، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۲.
۶. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۱۴۱۳ ق، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۱۴۱۳ ق، مختلف الشیعة فی أحکام الشریعة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۲.
۸. حلّی، یحیی بن سعید، ۱۴۰۵ ق، الجامع للشرائع، قم، مؤسسه سید الشهداء العلمیه.
۹. خالديان، سعیده، ۱۳۹۵، بررسی فقهی حقوقی تدلیس در عقد نکاح، فصلنامه جبل المتین، ش ۱۷.
۱۰. خمینی، روح الله موسوی، بی تا، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۱۱. سلیمانی، سارا، ۱۳۹۶، تحلیل اثر تدلیس ثالث بر نکاح زوجین، فصلنامه علمی تخصصی مجله حقوقی دانشگاه اصفهان، ش ۵.
۱۲. طاهری، حبیب الله، ۱۴۱۸ ق، حقوق مدنی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چ ۲.
۱۳. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، ۱۳۸۷ ق المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، چ ۳.
۱۴. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، ۱۴۰۰ ق، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دارالکتاب العربی، چ ۲.



۱۵. طوسی، محمد بن علی بن حمزه، ۱۴۰۸ ق، الوسيلة إلى نيل الفضيلة، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۱۶. فاضل هندی، اصفهانی، محمد بن حسن، ۱۴۱۶ ق، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
۱۷. گرجی، ابوالقاسم؛ صفایی، سید حسین؛ عراقی، عزت الله و همکاران، ۱۳۹۲ ش، بررسی تطبیقی حقوق خانواده، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، چ ۳.
۱۸. محقق ثانی، کرکی، علی بن حسین، ۱۴۱۴ ق، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چ ۲.
۱۹. محقق حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن، ۱۴۱۸ ق، المختصر النافع فی فقه الإمامیه، قم، مؤسسه المطبوعات الدینیّه، چ ۲.
۲۰. مشکینی، میرزا علی، بی تا، مصطلحات الفقه، بی جا، بی نا.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۴ ق، کتاب النکاح، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).



انواع طلاق در نظام حقوقی ایران

مبنا عطر^۳

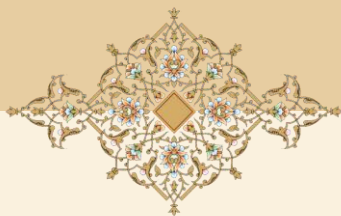
یکی از مسائل مبتلا به زوجین مسئله‌ی طلاق است. اسلام با تدبیری که در امر طلاق اندیشیده سعی در کاهش آن داشته است و به دنبال تحکیم نظام خانواده می‌باشد. به گفته شهید مطهری پیش‌قراولان قرن ما، روزبه‌روز عوامل اجتماعی طلاق و انحلال کانون خانوادگی را افزایش می‌دهند و با یکدیگر در این راه مسابقه می‌دهند و آنگاه فریاد می‌کشند که چرا طلاق این قدر زیاد است؟ این‌ها از طرفی عوامل طلاق را افزایش می‌دهند و از طرف دیگر می‌خواهند با قیدوبند کانون جلو آن را بگیرند. (۱)

مفهوم طلاق

برای واژه طلاق در لغت معانی متعددی ذکر شده است که از جمله رهایی، آزاد کردن، ترک کردن، واگذاشتن، مفارقت و جدایی است. (۲) واژه طلاق در اصطلاح شرعی عبارت است از: «ازاله قید نکاح بدون عوض با صیغه طلاق و شبهه آن» (۳) توضیح مطلب به این صورت است که اولاً طلاق جزء ایقاعات است که در کتاب جواهر الکلام بدان تصریح شده است و جزء عقود نیست و تنها ایجاب در آن کفایت می‌کند اما اگر جزء عقود شرعی قرار می‌گرفت بایستی علاوه بر ایجاب، قبول هم در آن وجود داشت که در این صورت دوطرفه می‌بود درحالی‌که خود طلاق یک‌طرفه است و از طرف مرد صورت می‌گیرد؛ ثانیاً طلاق فسخ نیست بلکه بر اساس صیغه خاصی مثل طلاق صورت می‌گیرد؛ درحالی‌که اگر فسخ بود دیگر نیازمند صیغه خاص نبود و بدون صیغه هم جاری می‌شد. ثالثاً در تعریف بدون عوض درج شده است و دلالت بر این دارد که طلاقی که با عوض همراه باشد داخل در تعریف مطلق نیست؛ بنابراین طلاق عبارت است از: انحلال عقد نکاح دائمی با صیغه خاص و رعایت تشریفات شرعی. (۴)

۲- دانشجوی کارشناسی فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خاوران، ایران، تهران، پست الکترونیکی:

Mobina.atr.81@gmail.com

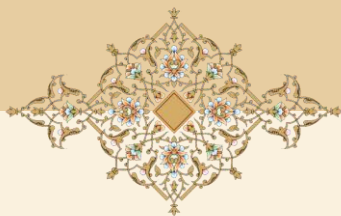


تقسیمات طلاق

از نظر فقها طلاق ابتدا تقسیم می‌شود به طلاق بدعی و سنی. بدعی به معنای بدعت حرام و سنی به معنای سنت مشروعه. طلاق بدعی، طلاق است که خلاف شرایط مقرر در شریعت انجام گرفته‌باشد و اگر این نوع طلاق واقع شود باطل است؛ مانند طلاق حائض. طلاق سنی، طلاق است که مطابق مقررات و با رعایت کامل شرایط شرعی انجام‌شده باشد و خود بر دو نوع است: ۱- طلاق بائن که مرد در آن حق رجوع ندارد ۲- طلاق رجعی که مرد در آن حق رجوع در زمان عده را دارد. (۵) طلاق بائن، طلاق است که مرد در آن طلاق، حق رجوع و بازگشت به همسر را در ایام عده ندارد (منظور از رجوع، آن است که مرد بدون عقد و خواندن خطبه، با زن آشتی کند و او را مجدداً به همسری خود درآورد). طلاق بائن پنج نوع است که عبارت‌اند از: ۱- طلاق زنی که نه سالش تمام نشده باشد. ۲- طلاق زنی که یائسه باشد. ۳- طلاق زنی که شوهرش بعد از عقد با او رابطه زناشویی برقرار نکرده باشد. ۴- طلاق زنی که برای سومین بار طلاق داده می‌شود. ۵- طلاق زنی که به طلاق خلع یا مبارات طلاق داده‌شده است. (۶)

طلاق در قرآن کریم

آیاتی از قرآن کریم نیز به مسئله طلاق اشاره دارند که نمونه‌ای از آن را ذکر کرده‌ایم. «هرگاه زنان را طلاق دادید و موقع عده آن‌ها فرارسید، یا از آن‌ها به‌خوبی نگهداری کنید و یا به‌خوبی جلوی‌شان را باز بگذارید. مبدا برای اینکه به آن‌ها ستم کنید آن‌ها را به شکل زیان‌آوری نگهداری کنید. هر که چنین کند باید بداند که به خویشتن ستم کرده است؛ حق طلاق و رجوع دو نوبت است (و بیشتر نیست) از آن‌پس یا نگهداری به شایستگی و یا رها کردن به نیکي.» (۷)



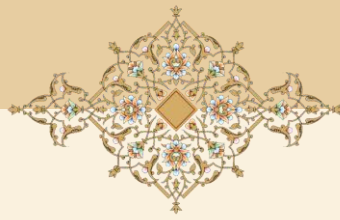
طلاق در روایات اسلامی

در روایات، کلمات و سیره عملی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام مشاهده می‌شود که آنان طلاق را بسیار مذموم و منفور معرفی کرده‌اند. برخی از روایات بدین قرارند. امام باقر ﷺ از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل فرمودند: «جبرئیل آنقدر بر من درباره زن سفارش و توصیه کرد که گمان کردم طلاق زن، جز در وقتی که مرتکب فحشاء قطعی شده باشد سزاوار نیست. (۸) امام صادق ﷺ از پیامبر اکرم ﷺ نقل فرمودند: «چیزی در نزد خدا محبوب‌تر از خانه‌ای که در آن پیوند ازدواجی صورت می‌گیرد وجود ندارد و چیزی در نزد خداوند مبغوض‌تر از خانه‌ای که در آن خانه پیوندی با طلاق بگسلد وجود ندارد. همچنین در روایات اهل سنت، روایاتی فراوان است. در سنن ابن ماجه از پیامبر ﷺ نقل کرده است که: «مبغوض‌ترین حلال در نزد خداوند طلاق است». (۱۰)

اقسام طلاق از منظر فقهی

اولین قسم از انواع طلاق، طلاق حرام می‌باشد. این نوع طلاق از نظر شرعی نیز صحیح بود و از دیگر موارد طلاق حرام طلاق زن نفسا می‌باشد و همچنین طلاق سه طلاقه یعنی اینکه بعد از سه بار تزویج سه بار طلاق جاری شود و نه اینکه صیغه طلاق سه مرتبه خوانده شود. (۱۱)

قسم دوم از طلاق، طلاق مکروه می‌باشد. طلاق مکروه زمانی واقع می‌شود که بین زن و شوهر سازگاری وجود دارد؛ اما علی‌رغم سازگاری بین زوجین طلاق صورت می‌گیرد. این طلاق را در شرع مقدس طلاق مکروه می‌نامند ولی در قانون از این گونه طلاق هیچ‌گونه سخنی به میان نیامده است زیرا وقتی که زندگی مشترک می‌تواند بدون هیچ مشکلی ادامه یابد اصل بحث طلاق مطرح نمی‌شود تا قانون بنخواهد آن را مَدُون کند. طلاق مکروه، طلاقی است که در آن زن و شوهر با یکدیگر می‌توانند به زندگی مشترک ادامه دهند و هیچ‌گونه مشکلی جهت زندگی مشترک زوجین وجود ندارد. این گونه طلاق را در شرع مقدس طلاق مکروه می‌نامند، ولی در قانون از این گونه طلاق هیچ‌گونه سخنی به میان نیامده است، شاید بتوان گفت که قانون از این گونه طلاق تحت عنوان طلاق توافقی نامبرده است؛ طلاق توافقی طلاقی است که زن و شوهر با یکدیگر بتوانند زندگی کنند یا نتوانند. این نوع از انواع طلاق

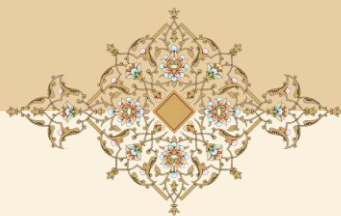


که واجب تخییری می‌باشد، طلاق ایلاکننده وظهار کننده است. درواقع آن طلاقی است که بر ایلاکننده یا برظهارکننده واجب می‌شود.ظهار عبارت است از: یکی از سنن جاهلی که در آن مرد به همسر خود می‌گفته که پشت تو مانند پشت خواهر و یا مادرم است و نزدیکی با همسر خود را به این وسیله ترک می‌کرده و ایلا هم عبارت است از سوگند یادکردن مرد به جهت اینکه نزدیکی با همسر خود را ترک کند تا ازاین جهت زانی به زوجه خود وارد کند. (۱۲) این قسم از طلاق درجایی است که میان زوجین اختلافاتی باشد که باوجوداین اختلافات دیگر ادامه زندگی مشترک امکان‌پذیر نباشد. (۱۳)

اقسام طلاق از منظر حقوق ایران

انواع طلاق طبق ماده ۱۱۴۳ قانون مدنی بر دو قسم «بائن و رجعی» است. در اینجا به‌اختصار به آن‌ها می‌پردازیم.

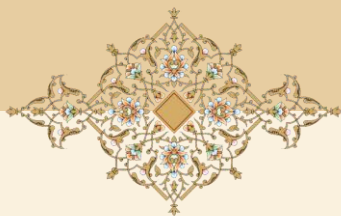
طلاق بائن، طلاقی است که در آن رابطه زوجیت قطع می‌گردد و برای شوهر حق رجوع نیست (ماده ۱۱۴۴ قانون مدنی). طلاق بائن به‌موجب ماده ۱۱۴۵ همان قانون شامل موارد زیر است: ۱- طلاقی که قبل از نزدیکی واقع شود (طلاق زوجه غیرمدخوله). غیر مدخوله، لزوماً به معنای باکره نیست، بلکه منظور از آن زوجه‌ای است که زوج پس از وقوع نکاح بدون نزدیکی با وی، او را طلاق دهد، گرچه در ازدواج قبلی خود مدخوله نیز بوده باشد. ۲- طلاق زن یا ئسه (زنی که به اقتضای سن، عادت زنانگی نمی‌بیند و این سن به‌طور معمول، پنجاه‌سالگی است. ۳- طلاق خلع و مبارات، مادامی که زن رجوع به‌عوض نکرده باشد و چنانچه رجوع کند، طلاق تبدیل به رجعی می‌شود. ۴- سومین طلاق که بعد از سه وصلت متوالی به عمل آید، اعم از اینکه وصلت در نتیجه رجوع باشد یا در نتیجه نکاح جدید. علاوه بر این، طلاق به علت عسر و حرج بائن است و چنانچه به وکالت صورت گیرد، از لحاظ رجعی یا بائن بودن، حکم طلاقی را دارد که موکل می‌دهد. همچنین، طلاق زوجه صغیره (کمتر از ۹ ساله)، نیز از زمره طلاق بائن است، گرچه در قانون و مدنی از آن ذکر نشده است؛ اما فقها آن را جزء طلاق‌های بائن بر شمرده‌اند. بدین ترتیب: ۱- در طلاق زن‌های غیرمدخوله، یا ئسه و صغیره، عده وجود ندارد و به محض وقوع طلاق، رابطه زوجیت قطع می‌گردد و زن بلافاصله می‌تواند با مردی دیگر ازدواج کند، لذا رجوع در این طلاق‌ها بی‌معنا



است و در صورت تمایل مجدد آن‌ها به ازدواج لزوماً انعقاد عقد جدید ضرورت می‌یابد.

۲- اما در طلاق‌های خلع و مبارات، قبل از رجوع زوجه به عوض بائن است. باوجوداین در این نوع طلاق، عده وجود دارد و براین اساس زن نمی‌تواند بلافاصله با مرد دیگری ازدواج نماید، لکن وجود عده بدان معنی نیست که مرد بتواند به اختیار خود در طول مدت عده، به زن رجوع کند. ۳- در طلاق نوع پنجم (سه طلاقه)، زن بر مرد حرام می‌گردد و حلال شدن او منوط به آن است که پس از انقضای عده با مردی دیگر ازدواج کند (محلل) و پس از نزدیکی چنانچه با طلاق و یا موت زوج از یکدیگر جدا شوند، زن می‌تواند مجدداً با شوهر سابق خویش ازدواج کند. ۴- هرگاه طلاق پس از نزدیکی واقع شود و در زمان عده شوهر رجوع کند یا زن و مرد دوباره ازدواج کنند و این نکاح پیش از نزدیکی به وسیله طلاق منحل شود، زن باید بعد از طلاق، عده پیشین را تمام کند؛ بنابراین در طلاق بائن، رابطه زن و شوهر به کلی قطع می‌گردد و مرد بلافاصله می‌تواند ازدواج کند، اما زن تا پایان عده نمی‌تواند ازدواج نماید، مگر آن‌که غیرمدخوله یا نثسه یا صغیره باشد. طلاق خلع نیز یکی دیگر از انواع طلاق‌ها است که به معنای رها ساختن زوجه در مقابل مال یا مهریه است. طبق ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی: «طلاق خلع آن است که زن به واسطه کراهتی که از شوهر خود دارد در مقابل مالی که به شوهر می‌دهد، طلاق بگیرد، اعم از این‌که مال مزبور عین مهر یا معادل آن و یا بیش‌تر و یا کمتر از مهر باشد». این کراهت ممکن است ناشی از کراهت زوجه از خلق زوج، داشتن همسر دیگر مرد و... باشد. طلاق مبارات نیز نوع دیگر طلاق‌ها است که در این طلاق کراهت از طرفین است، ولی در این صورت، عوض ابداً میزان مهر نباشد. (ماده ۱۱۴۷ قانون مدنی) طلاق رجعی نیز طلاق‌ی که بائن نباشد، طلاق رجعی است و شوهر می‌تواند در مدت عده به زن رجوع کرده و آن را به حالت اول برگرداند (ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی)؛ همچنین در صورت رجوع زن به عوض در طلاق خلع و مبارات، به ترتیب مذکور تبدیل به طلاق رجعی گشته و در مدت عده، حق رجوع برای مرد وجود دارد و وی می‌تواند با رجوع به طلاق، رابطه زوجیت خود را با زوجه ادامه دهد.

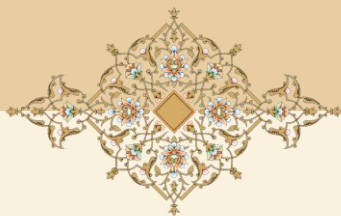
در نتیجه می‌توان گفت مهم‌ترین وقایع در زندگی اجتماعی بشر، تشکیل زندگی مشترک بوده و انحلال آن نیز مورد توجه است. بر اساس اصل چهارم قانون اساسی، تمامی قوانین در نظام جمهوری اسلامی باید بر اساس آموزه‌های فقه شیعه باشد و از همین رو طلاق هم از نظر



فقهی و هم به تبع آن قانونی به چند دسته عمده تقسیم می‌شود که در این نوشتار به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت.

پانویس

- ۱- آذرنوش، آذرتاش، ۱۳۸۵، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، تهران، نشرنی، چ ۷، ص ۴۰۲.
- ۲- ابن ماجه، ابوعبدالله محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، محمد فواد عبدالباقي (محقق)، بی جا، دارالحیاء الکتب العربیه، ص ۶۵۰.
- ۳- حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۳۶۴، وسائل الشیعه، قم، موسسه ال بیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ج ۲۲، ص ۷ و ۸ و ۹.
- ۴- خرشاهی، بهاءالدین، ۱۳۸۷، پیام پیامبر، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۴۳۰.
- ۵- خمینی، روح الله وسایر مراجع، توضیح المسائل مراجع، قم، انتشارات اسلامی، مساله ۲۵۲۸ و ۲۵۳۱.
- ۶- ذوالفقاری مقدم، زینب، ۱۴۰۱، بررسی فقهی و حقوقی انواع طلاق در نظام تقنینی جمهوری اسلامی، مجله پیشرفت‌های نوین در روان شناسی، علوم تربیتی، ش ۵۲، ص ۱۹ و ۲۲.
- ۷- سوره بقره، آیه ۲۳۱ و ۲۲۹.
- ۸- شهید ثانی، علی بن احمد، ۱۳۷۷، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، قم، دارالعلم، ج ۶، چ ۲، ص ۳۲.
- ۹- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷، جوامع الجامع، مشهد، آستان قدس رضوی، ص ۱۲۵.
- ۱۰- علوی، محمد تقی؛ اشرفی، مهدی، ۱۳۹۷، ماهیت حقوقی طلاق توافقی در نظام حقوقی ایران، تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز، ص ۲۰۴.
- ۱۱- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۱، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، چ ۳۳، ص ۲۳۳.
- ۱۲- نجفی، محمدحسن، ۱۹۸۱، جواهر الکلام، مصحح: محمدقوچانی، بیروت، ص ۱۱۶.
- ۱۳- نجفی، محمدحسن، ۱۹۸۱، جواهر الکلام، مصحح: محمدقوچانی، بیروت، ص ۲.



مروری بر قواعد فقه خانواده

مآئده بابایی^۲

اسلام خانواده را گروهی متشکل از افراد دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی معرفی می‌کند که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مرد تشکیل می‌دهد. نکاح نیز عقدی است که بر اساس آن، رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرار شده و طرفین دارای وظایف و حقوق جدید می‌شوند. براین اساس خانواده یک تأسیس حقوقی به حساب خواهد آمد که اعضای آن با رشته خونی باهم پیوند پیدا می‌کنند. بر این نهاد حقوقی، مجموعه‌ای از قواعد فقهی حاکم است. قواعد فقهی در حوزه مسائل خانواده شامل قواعد عام و قواعد خاص هستند. منظور از قواعد عام، قواعدی است که علاوه بر کارآمدی در سایر موضوعات در فقه خانواده نیز کارآمد است؛ مانند قاعده لاضرر، لاجرح، شروط و غرور. درمقابل، قواعدی چون رضاع و فراش که تنها در مسائل فقه خانواده کاربرد دارند، قواعد خاص خانواده تلقی می‌شوند.

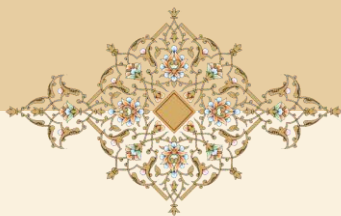
قواعد عام خانواده

۱- قاعده شروط

مفاد قاعده: مهم‌ترین مدرک این قاعده، جمله‌ی «المؤمنون عند شروطهم» می‌باشد که در احادیث معصومین علیهم‌السلام آمده است. (۱) آیاتی از قرآن نیز بر لزوم وفای به عقود دلالت دارد؛ زیرا کلمه شرط در این آیات، مطلقاً به معنای عهد به‌کاررفته است. از سوی دیگر، ادله لزوم وفای به شرط از شمولی برخوردارند که علاوه بر شروط ضمن عقد، شروط ابتدایی که همان شروط غیر مندرج در ضمن عقد باشد را نیز شامل می‌شوند. برخی از مستندات روایی قاعده، ناظر به شروط ضمن عقد نکاح هست؛ برای مثال ابی‌العباس از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده است در مورد مردی که زنی را به ازدواج خویش درآورد و شرط کند زن را از شهرش خارج نسازد. امام در این زمینه فرمود: «مرد باید به این شرطی که به نفع زن کرده وفا نماید» (۲) یا اینکه فرمود: «بر مرد این شرط لازم می‌شود.» (۳)

۱۴- دانشجوی کارشناسی فقه و حقوق دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، پردیس خاوران، ایران، تهران، پست

الکترونیکی: maydh@۰۴۳gmail.com



کاربرد قاعده: از جمله بسترهای مهم این کاربرد، شرایط ضمن عقد نکاح است. مطابق با ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی: «طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند؛ برای مثال شرط شود: هرگاه شوهر، زن دیگر بگیرد، در مدت معینی غائب شود، ترک انفاق نماید، علیه حیات زن سوء قصد کند یا رفتاری نماید که زندگانی آن‌ها با یکدیگر غیرقابل تحمل شود، زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهائی خود را مطلقه سازد.» آنچه به عنوان قید وکالت در این ماده آمده است، به عنوان نمونه است و دو طرف به تراضی می‌توانند شرط دیگری برای تحقق نیابت زن در طلاق معین کنند. (۴)

انواع شروط ضمن عقد نکاح: شروط ضمن عقد نکاح را می‌توان به سه قسم: باطل غیر مبطل، باطل و مبطل و صحیح تقسیم کرد.

شرط باطل غیر مبطل: برخی از شروط عقدی که زوجین در عقد نکاح درج می‌کنند، خودشان باطل هستند ولی باطل‌کننده عقد نکاح نمی‌باشند. این شروط در قانون مدنی ذکر شده‌اند که بر اساس ماده ۲۳۲ قانون مدنی این شروط را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد و مورد بررسی قرار داد که عبارت‌اند از:

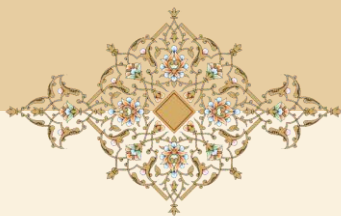
الف. شرطی که انجام آن غیرمقدور باشد.

ب. شرطی که در آن نفع و فایده‌ای نباشد.

ج. شرطی که نامشروع باشد.

شرط باطل و مبطل: طبق ماده ۲۳۳ قانون مدنی، شروطی هستند که مخالف مقتضای عقد نکاح باشند؛ یعنی شرطی که با آنچه ذات و طبیعت عقد نکاح اقتضا می‌کند مخالفت داشته باشد؛ مثلاً اگر در عقد ازدواج شرط شود که زن یا شوهر وظایف زوجیت خود را در مقابل یکدیگر انجام ندهد و تمکین خاص یا رابطه زوجیت میان آن‌ها پدید نیاید، چنین شرطی به دلیل اینکه خلاف مقتضای ذات عقد نکاح هست، شرطی باطل است و سبب بطلان عقد نکاح خواهد شد.

شرط صحیح: با استناد به ماده ۲۳۴ قانون مدنی شروط صحیح ضمن عقد نکاح عبارت‌اند از: شرط صفت، شرط نتیجه و شرط فعل که هر کدام را به اختصار توضیح می‌دهیم.



شرط صفت: از جمله شروط ضمن عقد است. ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی: «هرگاه در یکی از طرفین، صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود؛ خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبایناً بر آن واقع شده باشد.»

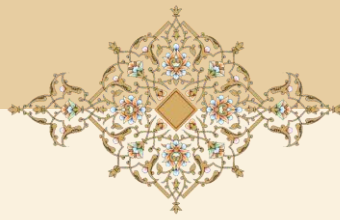
شرط نتیجه: بر اساس ماده ۲۳۴ قانون مدنی شرط نتیجه آن است که: ضمن عقد نکاح تحقق امری در خارج توسط یکی از زوجین شرط شود که شرط نتیجه در ضمن عقد ازدواج نیز کاملاً صحیح و معتبر خواهد بود. شرط وکالت زن در طلاق از جانب شوهر یکی از نمونه‌های شرط نتیجه در عقد نکاح است که در بسیاری از موارد زن با شوهر خود شرط می‌کند که از جانب او وکالت داشته باشد تا در شرایطی بتواند خود را مطلقه نماید.

شرط فعل: با استناد به ماده ۲۳۴ قانون مدنی «شخصی که انجام فعل یا خودداری از فعلی را به موجب شرط ضمن عقد نکاح پذیرفته است، مکلف می‌شود تا به شرط مذکور پایبند بوده و به آن عمل کند.»

۲- قاعده لاضرر

مفاد قاعده: از جمله قواعد مؤثر در حقوق خانواده است. آیات و روایات فراوانی بر نفی ضرر در اسلام دلالت دارند که بخشی متناهی از این ادله ناظر به مناسبات خانوادگی است.

کاربرد قاعده: بر اساس ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی، انتخاب مسکن با شوهر است؛ لذا زوجه موظف به اقامت در مکانی است که زوج تدارک دیده است. البته اگر سکونت در منزل مسکونی شوهر متضمن خوف ضرر بدنی، مالی یا شرافتی برای زن باشد، اختیار مسکن علی‌حده برای زن مورد پذیرش است. بدون تردید، قاعده لاضرر را باید از جمله مبانی فقهی ماده مذکور به شمار آورد.



۳- قاعده نفی عسر و حرج

مفاد قاعده: حرج در لغت به معنای ضیق، تنگنا و گناه است و عسر در معنی صعب، دشوار، مشکل و... به کار رفته است. عملی که آدمی را به تنگنا و ضیق افکند، دشوار و سخت نیز هست و فعلی که انجام آن برای انسان سخت باشد، مایه تنگی و ضیق نیز می‌شود. (۵) روایت ابوبصیر (۶) و حدیث مشهور نبوی ﷺ «أحبّ دينكم الى الله الحنفية السمحة و السهلة» از جمله مستندات این قاعده است. عقل و بنای عقلاً نیز عسر و حرج ناشی از یک تکلیف خارج از طاقت انسان یا موجب اختلال نظام زندگی فردی و اجتماعی را بر نمی‌تابند.

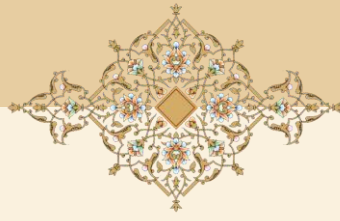
شمول قاعده: قاعده نفی حرج مانند قاعده لا ضرر، احکامی وجودی را شامل می‌شود؛ یعنی قاعده لاحرج بر ادله اولیه حکومت داشته، آن را رفع می‌کند؛ مثلاً، حکم لزوم دوام زوجیت در فرض غیبت طولانی بیش از چهار سال شوهر موجب تحمیل عسر و حرج زوجه می‌شود. قاعده نفی عسر و حرج، استمرار زوجیت را رفع می‌کند.

کاربرد قاعده: مبنای ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی قاعده نفی عسر و حرج است. در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند. چنانچه عسر و حرج مذکور، ثابت شود دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق کند و در صورت میسر نبودن اجبار زوج، زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.

۴- قاعده غرور

مفاد قاعده: هرگاه از شخصی عملی صادر گردد که باعث فریب خوردن شخص دیگر بشود و از این رهگذر، ضرر و زیانی متوجه او گردد، شخص نخست به موجب این قاعده ضامن است و باید از عهده خسارت وارد برآید. شخص اول را «غار» (فریب‌دهنده) و شخص دوم را «مغرور» (فریب‌خورده) و این قاعده را «قاعده غرور» می‌گویند.

مستندات قاعده: خبر مرسل معروف به «المغرور يرجع الى من غره»، بنای عقلاً و اجماع از مستندات قاعده غرور اند. (۷)



کاربرد قاعده: از جمله آثار قاعده غرور در حقوق خانواده، پیدایش حق فسخ نکاح است؛ مانند اینکه اگر زن یا مرد یا هر دو دارای عیب مشترک یا مجزا باشند و آن را از دیگری پنهان کنند، دیگری حق دارد عقد نکاح را به استناد قاعده غرور فسخ کند.

ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی: «هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود؛ خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبایناً بر آن واقع شده باشد.»

قواعد خاص خانواده

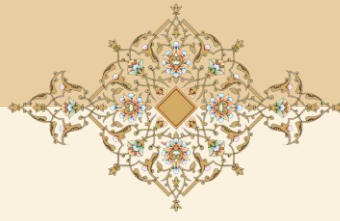
۱- قاعده رضاع

مفهوم قاعده: در لغت به معنای نوشیدن شیر از پستان زن یا حیوان است (۸) و در اصطلاح فقه امامیه، هرگاه طفلی از پستان زنی شیر بنوشد با او خویشاوندی پیدا می‌کند. به این نوع خویشاوندی قرابت رضاعی گویند.

مستندات قاعده: قرابت رضاعی از احکام تأسیسی اسلام نیست؛ بلکه از سنت‌های رایج در قوم عرب بوده که اسلام آن را امضا و به رسمیت شناخته است. فقها قرابت رضاعی را در قالب گزاره کلی «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» مطرح و بر مفاد آن به آیه، روایات و اجماع استناد کرده‌اند. (۹)

قرآن کریم در آیه ۲۳ سوره نساء به وضوح از دو مورد محارم ناشی از رضاع (خواهران و مادران رضاعی) یاد کرده است و بر اساس روایات متواتر شیعه و سنی، رضاع موجب نشر حرمت می‌گردد. به نقل از امام صادق علیه السلام یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب؛ یعنی همه عناوینی که در قرابت نسبی بر انسان محرم می‌باشند در قرابت رضاعی نیز محرم هستند و حکم «قرابت» جایگزین حکم «نسب» شده است. (۱۰) همچنین فقهای امامیه و اهل سنت بر نشر حرمت از طریق رضاع اتفاق نظر دارند. بدین جهت، برخی معتقدند که باید آن را از ضروریات دین شمرد. (۱)

کاربرد قاعده: بر اساس قاعده رضاع، کسانی که به سبب خویشی نسبی با یکی از زن یا شوهر، بر همسر او حرام می‌شوند، به دلیل قرابت رضاعی بر او نیز حرام خواهند بود. در نتیجه



قانون‌گذار، به استناد قاعده رضاع در ماده ۱۰۴۶ قانون مدنی، قرابت رضاعی را از حیث حرمت نکاح، در حکم قرابت نسبی دانسته است. (۱۲)

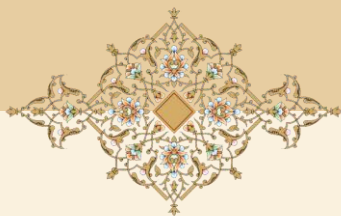
۲- قاعده فراش

مفهوم قاعده: به موجب این قاعده، چنانچه انتساب طفلی مورد شک و تردید قرار گیرد، با شرایطی، نسب آن طفل به پدر اثبات می‌گردد. بدین جهت، باید آن را از ادله اثبات نسب شرعی طفل به شمار آورد.

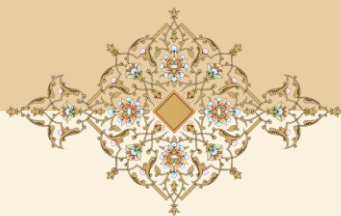
کاربرد قاعده: ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد.» ماده ۱۱۵۹ قانون مدنی هم مقرر می‌دارد: «هر طفلی که بعد از انحلال نکاح متولد شود، ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه مادر هنوز شوهر نکرده و از تاریخ انحلال نکاح تا روز ولادت طفل بیش از ده ماه نگذشته باشد مگر آن‌که ثابت شود که از تاریخ نزدیکی تا زمان ولادت کمتر از شش ماه و یا بیش از ده ماه گذشته باشد.» در این فرض، زمان انحلال نکاح، مبدأ محاسبه قرار می‌گیرد؛ زیرا در دوران زوجیت همیشه امکان نزدیکی وجود دارد و ازدواج مجدد معارض نیز منتفی است لذا ولد ملحق به فراش پیشین است. (۱۳)

پانویس

۱. حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۲۱، ص ۲۷۶.
۲. حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل‌البیت، ج ۲۱، ص ۲۷۶.
۳. طباطبایی، سیدعلی، ۱۴۱۹ ق، ریاض المسائل، قم، موسسه النشر الاسلامی، ج ۱۰، ص ۴۹۱.
۴. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۵، حقوق خانواده، تهران، شرکت سهامی انتشار، ج ۱، ص ۲۶۶.
۵. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۵، حقوق خانواده، تهران، شرکت سهامی انتشار، ج ۱، ص ۲۶۶.



۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ ۴، ج ۵، ص ۴۰۲.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ ۴، ج ۵، ص ۴۰۲.
۸. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۲۷۳.
۹. معلوف، لوئیس، ۱۳۶۲، المنجد، تهران، انتشارات اسماعیلیان، ص ۲۶۵.
۱۰. موسوی بجنوردی، میرزا حسن، ۱۳۸۹ ق، القواعد الفقهیة، نجف، مطبعة الآداب، ج ۴، ص ۳۲۳.
۱۱. موسوی بجنوردی، میرزا حسن، ۱۳۸۹ ق، القواعد الفقهیة، نجف، مطبعة الآداب، ج ۱، ص ۲۷۰.
۱۲. نقیبی، ابوالقاسم، ۱۳۸۹، قواعد عام فقه و کاربرد آن در حقوق خانواده، فصلنامه فقه و حقوق خانواده، دوره ۱۵، ص ۱۱.
۱۳. نقیبی، ابوالقاسم، ۱۳۹۰، قواعد اختصاصی فقه خانواده و کاربرد آن در قانون مدنی، فصلنامه فقه و حقوق خانواده، ص ۳.



حقوق خانواده؛ رشته تحصیلی کارشناسی ارشد

سمانه طاهری^۵

هدف از نوشتار حاضر معرفی رشته تحصیلی کارشناسی ارشد حقوق خانواده می‌باشد؛ و برآنیم تا با بررسی کنکور کارشناسی ارشد این رشته، معرفی دانشگاه‌های پذیرنده و معرفی نحوه پذیرش در دانشگاه‌های برتر کشور، آینده تحصیلی و شغلی رشته حقوق خانواده و مواردی از این قبیل یک نگاه نسبتاً جامعی درباره رشته مذکور برای خواننده مقاله ایجاد گردد؛ امید است که این نوشتار بتواند پرسش‌های علاقه‌مندان به این رشته را پاسخگو باشد.

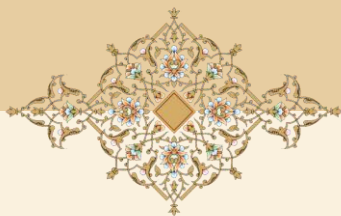
کنکور کارشناسی ارشد حقوق خانواده

باید توجه داشته باشید که کنکور کارشناسی ارشد رشته حقوق، ۳۰۵ سوال را شامل می‌شود و مواد آزمون نیز از گستردگی فراوانی برخوردار هستند که در ۱۲۰ دقیقه مدت زمان کنکور (۱) پاسخ به تمامی آنان مشکل به نظر می‌رسد لذا باید پیش از شروع به مطالعه تصمیم خود را برای آینده تحصیلی تان انتخاب کرده باشید و به صورت هدفمند به سراغ پاسخ به سوالات بروید؛ اگر قصد ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد حقوق خانواده را دارید باید بدانید که حقوق خانواده کدضرب ۹ را در دفترچه کنکور دارد و کدضرب ۹ شامل رشته‌های «فقه و حقوق خانواده، معارف اسلامی و حقوق (حقوق خانواده) و حقوق خانواده» می‌باشد؛ (۲) دروسی که دارای ضریب تاثیر صفر هستند در تعیین رتبه شما هیچ تاثیری ندارند پس از پاسخ دادن به آنها خودداری کنید و از اتلاف وقت خود بپرهیزید؛ دروسی که در کدضرب ۹، دارای ضریب تاثیر صفر نیستند عبارتند از :

✓ متون حقوقی به زبان انگلیسی (شامل ۳۰ سوال با ضریب تاثیر ۲)

✓ متون فقه (شامل ۲۰ سوال با ضریب تاثیر ۳)

۱۵- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق خانواده دانشگاه امام صادق علیه السلام، پردیس خاوران و طلبه سطح ۳ رشته فقه و اصول حوزه علمیه جامعه الزهراء علیه السلام (غیرحضور)، ایران، تهران، پست الکترونیکی: taheri@isuw.ac.ir

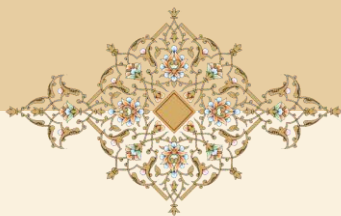


- ✓ حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری (شامل ۱۵ سوال با ضریب تاثیر ۱)؛ شامل سرفصل‌های حقوق جزای عمومی، حقوق جزای اختصاصی، آیین دادرسی کیفری که به طور معمول هرکدام ۵ سوال را به خود اختصاص می‌دهند.
- ✓ دروس تخصصی رشته‌های معارف اسلامی و حقوق و حقوق خانواده (شامل ۳۵ سوال با ضریب تاثیر ۳)؛ شامل سرفصل‌های اصول فقه (۱۰ سوال)، حقوق مدنی (اشخاص تا وصیت و ارث) (۱۵ سوال)، آیین دادرسی مدنی (دعای خانواده‌گی) (۱۰ سوال) (۳)

یک نکته مهم برای کسب موفقیت در تمامی کنکورهای اعم از کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترا و حتی آزمون‌های وکالت، قضاوت، سردفتری، آزمونهای استخدامی و... برای تمامی رشته‌ها وجود دارد و رتبه‌های برتر کنکور از آن بهره برده اند؛ و آن نکته عبارت است از اینکه بررسی سوالات طرح شده در کنکور سالهای قبل بسیار در تشخیص قسمت‌هایی دارای اهمیت و کم اهمیت دروس موثر هستند؛ (۴) به عنوان مثال با بررسی دفترچه سوالات آزمون کارشناسی ارشد ناپیوسته سالهای ۱۳۹۶-۱۴۰۲ می‌توان گفت درخصوص درس آیین دادرسی مدنی (دعای خانواده‌گی)، قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ به شدت حائز اهمیت است بگونه ای که هر ساله تعداد بالایی از سوالات این بخش را به خود اختصاص داده است. (۵) در این راه از مشورت با کسانی که تجربه واکاوی سوالات را دارند نباید غفلت ورزید.

دانشگاه‌های پذیرنده

دانشگاه ارومیه، دانشگاه مازندران (بابلسر)، دانشگاه کاشان، دانشگاه امام صادق علیه السلام پردیس خواهران، دانشگاه شهید بهشتی علیه السلام، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری دادگستری، دانشگاه رفاه و دانشگاه شهید مطهری علیه السلام از جمله دانشگاه‌های پذیرنده در رشته حقوق خانواده هستند؛ (۶) البته این رشته نظر به اینکه رشته ای با سابقه طولانی مانند رشته حقوق خصوصی محسوب نمی‌شود و نسبتاً رشته جدیدی است، لذا از نظر نگارنده مقاله این امکان وجود دارد که در سالهای آتی دانشگاه‌های پذیرنده نیز افزایش یابند خصوصاً باتوجه به اینکه پیش بینی می‌شود اقبال به سوی این رشته از سوی شرکت کنندگان در سالهای آتی بیشتر باشد.



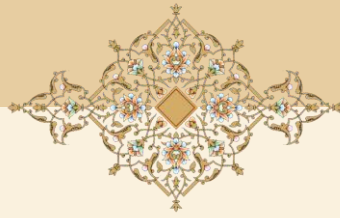
در میان دانشگاه‌های پذیرنده، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه امام صادق (ع)-پردیس خواهران، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری دادگستری و دانشگاه شهید مطهری به عنوان دانشگاه‌های برتر کشور که پذیرنده رشته تحصیلی مورد بحث می‌باشند، به اختصار معرفی می‌شوند.

الف- دانشگاه شهید بهشتی علیه السلام

عنوان رشته تحصیلی در این دانشگاه «حقوق خانواده» است و پذیرش دانشجو در این رشته به صورت روزانه، شبانه (نوبت دوم)، پردیس خودگردان و بدون برگزاری مصاحبه صورت می‌گیرد؛ (۷) لذا تنها ملاک تعیین کننده در قبولی در این دانشگاه رتبه کنکور می‌باشد؛ بنابراین باید فرض اولیه را بر این گذاشت که تنها رتبه‌های تک رقمی می‌توانند در رشته حقوق خانواده دانشگاه شهید بهشتی علیه السلام به ادامه تحصیل بپردازند مگر اینکه رتبه‌های برتر در دانشگاه‌های دیگر مشغول به تحصیل بشوند. طول مدت تحصیل در دانشگاه شهید بهشتی علیه السلام ۳ ترم نظری (بدون در نظر گرفتن واحد پایان نامه) می‌باشد و تعداد روزهای کمتری به نسبت ۳ دانشگاهی که در ادامه معرفی می‌شوند در هر ترم کلاس خواهند داشت؛ وجه تمایز این دانشگاه را می‌توان کمتر بودن سنوات تحصیل دانست که با واحدهای کمتر و روزهای کمتر در هر نیمسال و تعداد نیمسال ۳ ترم تحصیلی تئوری و پذیرش بدون آزمون داخلی و بدون مصاحبه و از طرفی شناخته شده بودن این دانشگاه به عنوان یکی از دانشگاه‌های برتر در کشور را می‌توان از مواردی دانست که سبب می‌شود تا گرایش به ادامه تحصیل در رشته حقوق خانواده دانشگاه شهید بهشتی علیه السلام وجود داشته باشد.

ب- دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری دادگستری

عنوان رشته تحصیلی در این دانشگاه «حقوق خانواده» است و پذیرش دانشجو در این رشته به صورت روزانه صورت می‌گیرد. ذکر این نکته ضروری است که دانشگاه مذکور در برخی سال‌ها اقدام به پذیرش از میان بانوان و آقایان می‌کند (۸) و برخی سال‌ها تنها از میان آقایان پذیرش دانشجو دارد؛ در یکی دو سال اخیر این دانشگاه برای رشته حقوق خانواده از



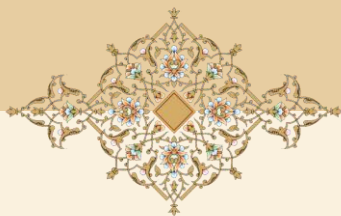
میان بانوان پذیرش نداشته است (۹) و این احتمال وجود دارد که برای سال تحصیلی آتی نیز چنین رویکردی ادامه داشته باشد؛ برای ورود به این دانشگاه علاوه بر کنکور، باید از چهار مرحله مصاحبه شامل مصاحبه علمی، عقیدتی، روانشناسی، اختبار عبور کرد؛ در انتها پس از پذیرش فرم تعهد اشتغال به قضاوت، پس از اتمام تحصیل منعقد می‌شود و فارغ التحصیلان این رشته در سمت قضات دادگستری مشغول به کار می‌شوند و همین امر که سبب تضمین شغلی است سبب می‌شود تا گرایش به ادامه تحصیل در این دانشگاه برای کسانی که قصد دارند به قضاوت روی بیاوند، وجود داشته باشد. (۱۰)

ج- دانشگاه شهید مطهری

عنوان رشته تحصیلی در این دانشگاه «فقه و حقوق خانواده» است. دانشگاه شهید مطهری علیه‌السلام یک دانشگاه غیرانتفاعی محسوب شده لیکن تحصیل در آن رایگان است. (۱۱) نحوه پذیرش در این دانشگاه بدین صورت است که علاوه بر کنکور متقاضیان باید در آزمون داخلی دانشگاه و مصاحبه علمی آن نیز شرکت کنند و پذیرفته شوند؛ طول مدت تحصیل در این رشته، ۵ ترم تحصیلی نظری (بدون در نظر گرفتن پایان نامه) است. (۱۲) همانطور که از عنوان رشته تحصیلی مشخص است، تمرکز بر روی دروس فقه خانواده، حقوق خانواده و اصول فقه وجود دارد و ترجیح بر این است تا به سبک حوزوی دروس مطالعه شوند به عنوان مثال همانند حوزه دروس فقه و اصول فقه در روزهای متوالی ارائه شود و... در این رشته کتاب‌های رسائل، کفایه الاصول و جواهرالکلام خوانده می‌شوند (۱۳) که خود مبین سطح علمی بالای این رشته در این دانشگاه است. همچنین در این دانشگاه مساعدت به مادران در زمینه‌هایی همانند میزان تعداد غیبت و یا آوردن فرزند سر کلاس درس (در شرایط خاص) صورت می‌گیرد. (۱۴)

د- دانشگاه امام صادق علیه‌السلام - پردیس خواهران

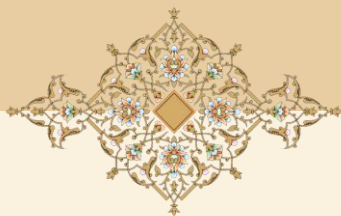
عنوان رشته تحصیلی در این دانشگاه «معارف اسلامی و حقوق گرایش حقوق خانواده» است. دانشگاه امام صادق علیه‌السلام نیز یک دانشگاه غیرانتفاعی محسوب شده و تحصیل در آن



رایگان است و پذیرش معارف اسلامی و حقوق گرایش حقوق خانواده در مقطع ارشد حقوق خانواده تنها برای بانوان است. (۱۵) نحوه پذیرش در این دانشگاه بدین صورت است که علاوه بر کنکور، متقاضیان باید در آزمون داخلی دانشگاه و مصاحبه علمی آن نیز شرکت و پذیرفته شوند. طول مدت تحصیل در این رشته، ۴ ترم تحصیلی نظری (بدون در نظر گرفتن پایان نامه) است. همانطور که از عنوان رشته تحصیلی مشخص است تمرکز بر روی دروس فقه و حقوق و اصول فقه وجود دارد بطوری که در تمام ۴ ترم نظری، دروس فقه خانواده و اصول فقه در کنار دروس حقوقی مرتبط با این رشته اعم از حقوق جزای خانواده، حقوق تطبیقی خانواده، حقوق بین الملل خانواده، حقوق خانواده و.... ارائه می‌شوند؛ وجه تمایز این دانشگاه علاوه بر تفکیک جنسیتی دانشجویان، قوی بودن بعد پژوهشی در کنار بعد آموزشی قوی است که در کمتر دانشگاهی یافت می‌شود، بنحوی که در اغلب واحدهای درسی کارپژوهشی نیز در کنار فرآیند آموزشی صورت می‌پذیرد و این بیانگر سطح علمی بالای رشته مذکور در این دانشگاه است. فارغ التحصیلان رشته «معارف اسلامی و حقوق گرایش حقوق خانواده» دانشگاه امام صادق علیه السلام می‌توانند برای ادامه تحصیل در مقطع دکترای فقه (۱۶) یا دکترای حقوق (۱۷) شرکت کنند.

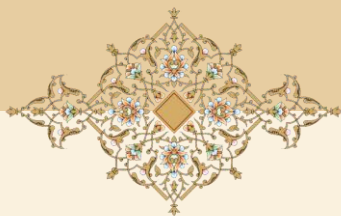
آینده تحصیلی و شغلی فارغ التحصیلان

درخصوص آینده شغلی می‌توان گفت که برای شرکت در آزمون‌های وکالت و قضاوت و سردفتری مدرک کارشناسی ارشد در نظر گرفته نمی‌شود و شرکت در این آزمون‌ها تنها با مدرک کارشناسی صورت می‌پذیرد. (۱۸) لکن فارغ التحصیلان رشته حقوق خانواده، چنان که از عنوان رشته می‌توان برداشت کرد، انتظار می‌رود تا در حوزه حقوق خانواده به متخصصانی تبدیل بشوند که توانایی مشاوره خانواده را داشته و یا پس از قبولی در آزمون وکالت و از تبحر کافی در دعاوی خانوادگی برخوردار باشند.



پانویست

۱. sanjesh.org: دفترچه سوالات آزمون کارشناسی ارشد ناپیوسته سال ۱۴۰۲، مجموعه امتحانی حقوق.
۲. sanjesh.org: دفترچه راهنمای ثبت نام و شرکت در آزمون کارشناسی ارشد ناپیوسته سال ۱۴۰۲.
۳. sanjesh.org: دفترچه راهنمای ثبت نام و شرکت در آزمون کارشناسی ارشد ناپیوسته سال ۱۴۰۲.
۴. مطرح شده توسط جمعی از دانشجویان کارشناسی ارشد حقوق خانواده.
۵. sanjesh.org: دفترچه سوالات آزمون کارشناسی ارشد ناپیوسته سال‌های ۱۳۹۶-۱۴۰۲، مجموعه امتحانی حقوق.
۶. sanjesh.org: دفترچه راهنمای انتخاب رشته‌های تحصیلی، ش ۲، کنکور کارشناسی ارشد سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۱.
۷. sanjesh.org: دفترچه راهنمای انتخاب رشته‌های تحصیلی، ش ۲، کنکور کارشناسی ارشد سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۱.
۸. sanjesh.org: دفترچه راهنمای انتخاب رشته‌های تحصیلی، ش ۲، کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۹.
۹. sanjesh.org: دفترچه راهنمای انتخاب رشته‌های تحصیلی، ش ۲، کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۱.
۱۰. مطرح شده توسط جمعی از پذیرفته شدگان رشته حقوق خانواده در این دانشگاه.
۱۱. sanjesh.org: دفترچه راهنمای انتخاب رشته‌های تحصیلی، ش ۲، کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۱.
۱۲. مطرح شده توسط جمعی از دانشجویان و فارغ التحصیلان این دانشگاه.
۱۳. مطرح شده توسط جمعی از دانشجویان و فارغ التحصیلان این دانشگاه.
۱۴. مطرح شده توسط جمعی از دانشجویان و فارغ التحصیلان این دانشگاه.
۱۵. sanjesh.org: دفترچه راهنمای انتخاب رشته‌های تحصیلی، ش ۲، کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۱.
۱۶. عنوان رشته در این دانشگاه در مقطع کارشناسی ارشد، «معارف اسلامی و حقوق گرایش حقوق خانواده» است پس فارغ التحصیلان این رشته در کنکور فقه نیز می‌توانند شرکت کنند؛ نمونه‌هایی از قبولی دکتری فقه نیز مشاهده گردیده است.



۱۷. در عنوان رشته گرایش حقوق خانواده ذکر شده است و پذیرفته شدگان این رشته نیز در کنکور کارشناسی ارشد حقوق شرکت کرده اند و لذا می توانند در کنکور دکتری حقوق نیز شرکت کنند؛ نمونه هایی از قبولی دکتری حقوق در گرایش های مختلف نیز مشاهده گردیده است.

۱۸. sanjesh.org؛ مراجعه کنید به دفترچه راهنمای ثبت نام و شرکت در آزمون های مذکور.